

عنوان مقاله:

خوانشی بینامتنی بر دو داستان از مثنوی و دکامرون

محل انتشار:

فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، دوره 19، شماره 71 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 30

نویسندگان:

افسانه سعادت - استادیار دانشگاه هنر اصفهان

حسن یزدان پناه - استادیار دانشگاه هنر اصفهان

خلاصه مقاله:

یکی از روش‌های شناخت عمیق متون، بررسی تعامل بین آثار مختلف است؛ زیرا نویسندگان، خواه ناخواه تحت تاثیر آثار یکدیگر هستند. موضوع اصلی این جستار، خوانش بینامتنی دو داستان از مثنوی معنوی و دکامرون بر مبنای نظریه ترامتنیت ژنت است. «آن صوفی که زن خود...» قصه‌ای از مثنوی است که از نظر بن‌مایه‌ها با قصه «هیچ آدابی و...» و «وقتی چاره، منحصر به فرد می‌شود»، از دکامرون شباهت‌هایی دارد: بی‌وفایی، خیانت، کام‌جویی و شهوت‌رانی و حيله زنان و ترس از رسوایی از جمله بن‌مایه‌های مشترک این داستان‌ها و تشکیل‌دهنده بنیان اصلی آنها است. پژوهش حاضر به شیوه تحلیلی تطبیقی برآن است تا ضمن قیاس این دو اثر کلاسیک، به بیان وجوه اشتراک و افتراق این داستان‌ها بپردازد. یافته‌های پژوهش، حاکی از آن است که بوکاچو در حکایاتش به طرز قابل‌تاملی، قصه‌ای از مثنوی را بازآفرینی کرده است. این پژوهش توانسته است از سویی زمینه مساعد را برای بخشی از مطالعات تطبیقی فراهم سازد و از دیگر سو، راهگشای مطالعات در حوزه مولوی پژوهی باشد.

کلمات کلیدی:

دکامرون، مثنوی معنوی، بینامتنیت، بن‌مایه، داستان

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1768221>

